

بررسی جنبه روان‌شناختی شخصیت در «شازده احتجاب» اثر هوشنگ گلشیری و «مَا تَبَقَى لَكُمْ» اثر غسان کنفانی

۱. احمدرضا صاعدی*، ۲. فرزانه حاجی قاسمی**

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴)

چکیده

این مقاله سعی دارد با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس نقد روان‌شناختی کارل گوستاو یونگ، اهمیت بیماری‌های روانی را به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در روند جریان سیلان ذهن مطرح کند و در کنار آن، به نقش اسامی شخصیت‌ها بپردازد که تا حدی در شکل‌گیری هویت آنان مؤثر است. توجه به درون شخصیت‌ها، آشکار ساختن اندیشه و احساسات آنان به همان ترتیبی که در ذهن می‌گذرد، مهم‌ترین ویژگی شیوه جریان سیلان ذهن است. این شیوه با تکیه بر تداعی آزاد، به بیان احساسات می‌پردازد. «شازده احتجاب» و «مَا تَبَقَى لَكُمْ» به عنوان رمان‌های جدید از این شیوه بهره‌جسته‌اند. مقایسه بعد روانی شخصیت‌های این دو اثر و میزان آشفتگی روان آنان، برتری قلم گلشیری را در شیوه کاربست تکنیک سیلان ذهن به تصویر می‌کشد، به گونه‌ای که وی توانسته‌است با ظرافتی خاص به روایت حوادث در خلال زمان‌های از هم گسسته بپردازد. بنابراین، به عنوان مهم‌ترین نتیجه حاصل در این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که قهرمانان رمان «شازده احتجاب» در مقایسه با رمان «مَا تَبَقَى لَكُمْ» از لحاظ روانی پیچیده‌تر هستند.

کلیدواژه‌ها: شازده احتجاب، مَا تَبَقَى لَكُمْ، جریان سیلان ذهن، شخصیت‌پردازی، نظریه یونگ.

* E-mail: a.saedi@fgn.ui.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: farzaneh70.ghasemi@gmail.com